

تحلیل و بررسی معادلات نظامی، سیاسی و اقتصادی ایران و آمریکا در منطقه خلیج فارس

تاریخ دریافت مقاله: ۹۹/۳/۱۳ تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۹۹/۰۶/۰۳

سجاد عالی فرجا (دانشجوی دکترای جغرافیای سیاسی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران)
حیدر لطفی* (دانشیار جغرافیای سیاسی و گردشگری، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران)
مجید ولی شریعت پناهی (دانشیار گروه جغرافیا، واحد یادگار امام (ره)، دانشگاه آزاد اسلامی، شهر ری،
ایران)
علی اصغر اسمعیل پور روشن (استادیار جغرافیای سیاسی، واحد یادگار امام (ره)، دانشگاه آزاد اسلامی، شهر
ری، ایران)

چکیده

منطقه خلیج فارس همواره در معرض تلاطم امواج ناشی از راهبردهای سیاسی و اقتصادی و نظامی کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای قرار داشته است. هدف این مقاله تحلیل و بررسی معادلات نظامی، سیاسی و اقتصادی ایران و آمریکا در منطقه خلیج فارس است. سؤال اصلی مقاله این است که معادلات نظامی، سیاسی و اقتصادی ایران و آمریکا در منطقه خلیج فارس کدامند؟ برای جمع‌آوری ادبیات نظری و مفهومی پژوهش از روش توصیفی و برای تحلیل داده‌های حاصل از پرسشنامه از روش تحلیل سلسله مراتبی و برای آزمون فرضیات از روش پیمایشی بهره گرفته شده است. برای بررسی پایایی پرسشنامه نیز از یک نمونه اولیه استفاده شد و با به دست آمدن ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۷، پایایی پرسشنامه نیز مورد تأیید قرار گرفت. نظرات تعداد ۲۵ نفر از خبرگان حوزه امنیت منطقه‌ای گردآوری شد و برای تجزیه و تحلیل اطلاعات، وارد نرم‌افزار آماری SPSS گردید. نتایج نشان می‌دهد که موقعیت جغرافیایی منطقه برای هر دو کشور حساسیت خاصی دارد؛ اما آنچه که برای آمریکا در این منطقه حایز اهمیت است تداوم نقش مصرف کنندگی و تضعیف جایگاه فرهنگی و ایدئولوژیک آن است اما برای ایران این موضوع بالعکس می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: ایران، آمریکا، خلیج فارس، معادلات نظامی، سیاسی و اقتصادی

مقدمه

ایالات متحده آمریکا پس از جنگ جهانی دوم، چه در دوران جنگ سرد و چه در فضای پس از جنگ سرد، به دلیل جایگاه انرژی برای دنیای غرب و جلوگیری از نفوذ شوروی، اهمیت فراوانی برای خلیج فارس قائل بوده است (برزگر، ۱۳۸۸). در دهه ۱۹۷۰ با خروج نیروهای انگلیسی از خلیج فارس، آمریکا جای آن را گرفت، پس از ۱۱ سپتامبر ایالات متحده اهداف امنیتی خود را در خلیج فارس به طور چشمگیری گسترش داد (غلامی، ۱۳۹۱). در واقع ۱۱ سپتامبر بهانه‌ای فرصت ساز برای آمریکا بود تا حضور خود را در افکار عمومی جهان مشروعیت بخشد (ابراهیمی فر، ۱۳۸۱). مبارزه با تروریسم، حضور گسترده در منطقه، دستیابی و تأمین امنیت ثبات انرژی، مبارزه با مخالفان از جمله ایران از طریق حضور دائمی در منطقه بخشی از اهداف امنیتی این کشور در خلیج فارس بوده است (پورا احمدی و منصوریان، ۱۳۹۳). این سیاست البته دارای پیشینه تاریخی است (احمدی، ۱۳۹۵). در دوره‌ی نیکسون ایالات متحده سیاست دو ستونی را در خلیج فارس اعمال کرد که راهبرد چهارگانه به شرح زیر بود: ۱- همکاری نزدیک با ایران و عربستان به‌عنوان پایه‌های ثبات منطقه؛ ۲- حضور نظامی نیروی دریایی آمریکا به مقدار اندک در حد سه کشتی از واحد فرماندهی خلیج فارس؛ ۳- افزایش فعالیت‌های دیپلماتیک در منطقه و توسعه کمک‌های تکنولوژی به آن کشورها؛ ۴- کاستن از توجه کشورهای کوچک منطقه به انگلستان در جهت تأمین نیازهای امنیتی آنان. همچنین بر اساس سیاست دو ستون، جوزف سیسکو، وزیر امور خارجه آمریکا، در سپتامبر ۱۹۷۲ گفت: اصول عمده سیاست خارجی ما در این منطقه به قرار زیر است: ۱- مداخله نکردن در امور داخلی دیگر ملت‌ها؛ ۲- تشویق همکاری‌های منطقه‌ای برای صلح و پیشرفت؛ ۳- تشویق کشورهای دوست برای اینکه وظیفه امنیتی را خود بپذیرند؛ ۴- مبارزه با توسعه‌طلبی مسکو؛ ۵- تشویق تبادل کالا، خدمات و فناوری. از بین دو ستون عمده، انتخاب اول، ایران بود و به عربستان در درجه دوم اهمیت داده می‌شد (قریان، ۱۳۹۲). به عربستان بیشتر از دیدگاه تأمین‌کننده مالی برنامه‌های امنیتی، توجه می‌شد (احمدی پور، ۱۳۷۹). عربستان به علت کمی جمعیت و عقب‌ماندگی صنعتی و فقدان سازمان‌های اداری و سیاسی مستحکم، با وجود ثروت ناشی از نفت نمی‌توانست ژاندارم باشد (احمدی، ۱۳۶۹). راهبرد ایالات متحده پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ وارد تحولات جدی و همه جانبه شد. به عبارتی پس از ورود تروریسم ادبیات جنگ پیشدستانه وارد معادلات جدید شد (کرمی، ۱۳۸۵). جنگ پیشدستانه به عنوان عنصر کلیدی استراتژی کلان دولت بوش برای مقابله با تهدید تروریسم، زمانی توانست به عنوان یک راهبرد عملی مطرح شود که تروریسم مورد ادعای تصمیم‌گیران، خود را در ۱۱ سپتامبر به همگان نشان داد و این حق را برای دفاع از خود برای آمریکا به وجود آورد (ادوارد و همکاران،

۱۳۸۵). لذا هنگامی که هدف از عملیات پیشگیرانه، توجه به خلیج فارس در دستور کار قرار می‌گیرد، خلیج فارسی منظور نظر است که رایندگان هواپیماها از آنجا آمده‌اند (اسماعیلی، ۱۳۸۹). در اینجا رویکرد سخت‌افزاری آمریکا که به طور چشمگیری خود را نشان می‌دهد، به شدت متأثر از فضایی امکان تأثیرگذاری می‌یابد که توسط قدرت نرم ناشی از فروریزی برج‌های دوقلو ایجاد شده است (متقی، ۱۳۸۹). دکترین بوش که به خوبی می‌تواند بیانگر استراتژی کلان ایالات متحده آمریکا در ابتدای قرن بیست و یکم باشد، در راستای مقابله با تهدید تروریسم و اشاعه سلاح‌های کشتار جمعی، حاوی سه مفهوم عمده است که به کلیت آن شکل می‌دهد:

- اقدام پیش‌دستانه که در مورد افغانستان و عراق در دستور کار قرار گرفت و مطابق با آن آمریکا خود را محق می‌داند که در موضوعات و مناطقی در نظام بین‌الملل که احساس می‌شود در آینده‌ای نزدیک، منافع حیاتی این کشور را تهدید خواهد کرد، پیش از بروز این تهدید، اقدام به مداخله نظامی کند (افضلی، ۱۳۸۵).

- اقدام یک جانبه که به طور مشخص برای عراق تجربه شد و سیاستی مغایر با رویکرد خود محدود کنندگی آمریکا در پس از جنگ سرد به حساب می‌آید. این مفهوم بیانگر عدم التزام واشنگتن به تصمیم‌های بین‌المللی در مواردی است که منافع حیاتی خود را در خطر ببیند (برنا بلداجی، ۱۳۸۶).

- دموکراسی سازی به عنوان هدف نهایی و غایی حضور آمریکا در منطقه که بیشتر راهکاری بلندمدت محسوب می‌شود که با تحول در محیط سیاسی و فرهنگی منطقه تهدیداتی همچون تروریسم را کاهش می‌دهد (طباطبایی، ۱۳۹۱).

این راهبرد تا زمان ریاست جمهوری اوباما ادامه داشت. به طور خلاصه اوباما سه محور زیر را تعقیب می‌کرد که شرایط مداخله آمریکا را تعیین می‌کرد و بر اساس آن آمریکا معادلات خود را تنظیم می‌نمود که در بخش‌های بعدی به آن‌ها پرداخته می‌شود: ۱- منافع انسانی ارزش اقدام نظامی آمریکا را دارد. ۲- این اقدام نظامی باید کاملاً محدود باقی بماند (پورا احمدی و منصوریان، ۱۳۹۳). ۳- اقدام نظامی باید تا حد امکان چند جانبه باشد (طباطبایی، ۱۳۹۱). بر همین مبنا در دوره جرج بوش بحث خلیج فارس بزرگ هم شدت گرفت (متقی، ۱۳۹۲). طرح نو خلیج فارس بزرگ که پس از حادثه ۱۱ سپتامبر زمینه اجرا شدن آن فراهم شد، مهم‌ترین اهداف آمریکا به ویژه نو محافظه‌کاران در خلیج فارس را چنین نشان می‌دهد:

- تسلط بر منابع انرژی خلیج فارس
- تغییر تدریجی ژئوپولیتیک خلیج فارس
- دموکراتیزاسیون در خلیج فارس
- تقویت جایگاه منطقه‌ای اسرائیل

- مہار بنیادگرایی اسلامی (پیترسن، ۱۳۸۱). انبوه نوشته‌های تحلیل‌گران نومحافظه‌کار درباره نقشه سیاسی مورد نظر آنان از خلیج فارس نزد همگان شناخته شده است (مجتهد زاده، ۱۳۸۱). این نوشته‌ها بر پایه این دو پیش‌انگاره است که ژئوپولیتیک پس از جنگ سرد تا مدتی طولانی تک قطبی خواهد ماند و تنها ابرقدرت جهان، ایالات متحده آمریکا حق بازآفرینی ساختارهای ژئوپولیتیک را دارد تا به زعم خود جهان را بی‌خطرتر کند (پیشگاهی فرد، ۱۳۸۵). این شرایط جدید بین‌المللی به علاوه سیاست «تغییر حکومت» و مهندسی سیاسی نهادهای جدید دموکراتیک را توجیه می‌کند که گفته می‌شود بنیان‌گذاری آن‌ها همراه با ثبات و آرامش بیشتری است (برنا بلداجی، ۱۳۸۴) لذا آمریکایی‌ها علاوه بر راهبرد کلان در خلیج فارس نوعی استراتژی نفتی نیز داشته‌اند که بر پایه موارد زیر بوده است: - تضمین امنیت و ثبات کشورهای تولیدکننده نفت - تضمین امنیت تأسیسات نفتی - تضمین امنیت پایانه‌های صدور نفت در خلیج فارس - حفاظت و پاسداری از خطوط ارتباط دریایی (برنا بلداجی، ۱۳۸۴).

رویکرد نظری

سازماندهی سیاسی فضا، تقسیم‌بندی یک پهنه سرزمینی بر اساس عوامل و محدوده‌های همگن اجتماعی، محیطی، اقتصادی، سیاسی و اداری به منظور اداره و مدیریت پهنه سرزمین و بهره‌برداری مطلوب و منطقی از منابع در راستای توسعه پایدار است (لطفی، ۱۳۹۴). تأثیر عوامل جغرافیایی و اقلیمی بر رفتارهای سیاسی، گرایشی است قدیمی که ریشه در تاریخ بشر دارد (مجتهدزاده، ۱۳۷۱)؛ مثلاً، به اعتقاد ارسطو، مردم و محیط آن‌ها جدایی‌ناپذیرند و مردم همواره از شرایط جغرافیایی تأثیر می‌پذیرفته‌اند (پی‌یر درینیک، ۱۳۶۸). ژان بُدن می‌گفت: شرایط جغرافیایی بر روحیات ملی و سیاست خارجی کشورها تأثیر می‌گذارد (Snow, 2018). اما این گرایش از دهه ۱۹۶۰ م. با تأکید بیش‌تر بر نقش عوامل جغرافیایی بر رفتارهای سیاسی مجدداً با قوت و قدرت ظهور پیدا کرد (مجتهدزاده، ۱۳۷۴) و هم‌اکنون در روابط بین‌الملل (در حوزه نظری و عملی)، عواملی مانند جغرافیا، توزیع منابع، توسعه و فن‌آوری از اهمیت و نقش فوق‌العاده‌ای برخوردار است، به نحوی که بدون توجه به آن‌ها شناسایی کامل محیط بین‌المللی ممکن نیست (ترابی، ۱۳۹۰). جهانی شدن دارای ابعاد کثیری از مفاهیم نظامی، روابط سیاسی، قلمرو و حاکمیت سرزمینی، اقتصادی و غیره است. (رحمانی، ۱۴۰۰)

از اواخر قرن ۱۹، تأثیر رشد جمعیت بر کمبود منابع، نقش کمبود منابع در منازعات آینده و جغرافیا و تأثیر فن‌آوری بر منابع و جغرافیا، محور نوشته‌ها در این زمینه بوده (مصلی نژاد، ۱۳۹۳) که عمدتاً دو گروه «آرمان‌گرایان» و «واقع‌گرایان» در روابط بین‌الملل، انسان را در

ارتباط با عوامل جغرافیایی و زیست محیطی - به مفهوم وسیع آن - به گونه‌ای که فرهنگ انسانی و ویژگی‌های آن را شامل است، مورد توجه قرار داده‌اند (متقی، ۱۳۹۲). آرمان‌گرایان با الهام از آثار نظریه‌پردازان عصر روشنگری، مدعی‌اند که با دگرگون ساختن محیط نهادی، می‌توان رفتار بین‌المللی را تغییر داد (مصلی نژاد، ۱۳۸۸) و بدین منظور، طرح‌هایی را تدارک دیده‌اند تا با تغییر رفتار سیاسی بین‌المللی، رفتارهای انسانی را متحول سازند (جعفری ولدانی، ۱۳۷۱).

واقع‌گرایان بر این نظرند که محیط جغرافیایی کشورها اگر نه تعیین‌کننده، دست کم محدودکننده است و دولت‌ها علی‌رغم اختیار و نقش فعال، به ناچار در چارچوب عوامل جغرافیایی و زیست محیطی به فعالیت می‌پردازند (معینی علمداری، ۱۳۸۰). در دوران معاصر، با وجود این‌که اهمیت سیاسی مناطق جغرافیایی، با پیشرفت فن‌آوری وسایل مربوط به منابع طبیعی، موجب تحول و جایگزینی عوامل گردیده، اما هنوز به عنوان یک محور تحلیلی مطرح است (جعفری ولدانی، ۱۳۷۶).

در کنار عوامل جغرافیایی، بیش‌تر محققان و نویسندگان قرن ۱۹ و ۲۰ به نقش عوامل اقلیمی بر رفتار سیاسی ملت‌ها اصرار ورزیده‌اند (Williams, 2019)؛ آب و هوا را نه تنها برای فعالیت سیاسی و امکان دسترسی به منابع طبیعی، بلکه برای مهاجرت اقوام و اختلاط نژادها عامل تعیین‌کننده قلمداد کرده‌اند (مجتهد زاده، ۱۳۸۱).

دریاها و قدرت ملی

ماهان (۱۸۴۰ - ۱۹۱۴) یکی از نظریه‌پردازان شاخص امریکا در زمینه سیاست‌های جغرافیایی است (موسوی، ۱۳۸۶). او در دوره آخرین موج بزرگ توسعه‌طلبی امپریالیستی اروپا و جهانی شدن قدرت امریکا، دست به قلم برد. وی «توان دریایی» را اساس قدرت ملی می‌دانست (جعفری ولدانی، ۱۳۸۴). نظریه او بر روزولت تأثیر شگرفی گذارد. روزولت کسی بود که نخست در مقام معاون فرمانده نیروی دریایی و سپس به عنوان رئیس‌جمهور در تبدیل ایالات متحده به یک قدرت دریایی عمده نقشی اساسی ایفا کرد (میرعرب، ۱۳۷۹).

او در تحلیلی که از تاریخ دریانوردی، به ویژه گسترش جهانی بریتانیا دارد، به این نتیجه می‌رسد که سلطه بر دریاها، به خصوص تنگه‌های راهبردی، برای وجود قدرت‌های بزرگ ضروری است (نجفی، ۱۳۹۴). بر اساس این تحلیل، توان دریایی نقش تعیین‌کننده‌ای برای قدرت ملی و رشد آن دارد (الهی، ۱۳۸۶). او تحلیل خود را بر اساس این تجربه استوار ساخت که ظهور بریتانیا با تبدیل آن به قدرت دریایی هم‌زمان بوده است (جعفری ولدانی و بیداقی، ۱۳۸۷). در

زمانی که راه‌های دریایی اصلی به راه‌های درون امپراتوری تبدیل شده بود، موقعیت بریتانیا به قدرتمندی او کمک کرد (ولز، ۱۳۷۳)؛ زیرا از یک سو، به دلیل نزدیکی با اروپای قاره‌ای می‌توانست به دشمن احتمالی ضربه بزند و از سوی دیگر، با فاصله مناسبی که از آن داشت تا حدی از تهاجم آنان مصون بود (Max and wildawsky, 2018). بریتانیا با تمرکز قدرت دریایی خود در شمال اقیانوس اطلس و دریای مانش، قادر بود قدرت‌های اروپایی را مهار کند و تا دهه ۱۸۹۰ ظهور نیروهای امریکا، ژاپن و آلمان رقیبی نداشت و البته دست‌یابی کشورها به چنین موقعیتی به عواملی نظیر وضعیت جغرافیایی، شکل و وسعت سرزمین، ویژگی‌های ملی و نظام حکومتی بستگی دارد (سجادی، ۱۳۷۹).

محیط مورد مطالعه

خلیج فارس در ۲۴ تا ۳۰ درجه و ۳۰ دقیقه عرض شمالی و ۴۸ تا ۵۶ درجه و ۲۵ دقیقه طول شرقی از نصف النهار گرینویچ قرار دارد. این خلیج توسط تنگه هرمز به دریای عمان و از طریق آن به دریاهای آزاد مرتبط است (جلایان مهری، ۱۳۹۶). از بین کشورهای همسایه خلیج فارس، کشور ایران بیشترین مرز آبی مشترک را با خلیج فارس دارا است (Abdul ghafar, 2019). طول مرز آبی کشور ایران با خلیج فارس، با احتساب جزایر در حدود ۱۸۰۰ کیلومتر و بدون احتساب جزایر در حدود ۱۴۰۰ کیلومتر است (جی مارتین، ۱۳۸۳). طول خلیج فارس از تنگه هرمز تا آخرین نقطه پیشروی آن در جهت غرب در حدود ۸۰۵ کیلومتر است (Saab & Barry, 2018). عریض‌ترین بخش خلیج فارس ۱۸۰ مایل (۲۹۰ km) است (حاجی یوسفی، ۱۳۸۷). عمیق‌ترین نقطه خلیج فارس با عمق ۹۳ متر در ۱۵ کیلومتری تنب بزرگ و کم عمق‌ترین نقطه آن با عمقی بین ۱۰ تا ۳۰ متر در سمت غرب است. همچنین جزایر متعددی در خلیج فارس وجود دارند. محدوده رسمی و بین‌المللی مرزهای آبی خلیج فارس بر اساس اعلام سازمان آبنگاری بین‌المللی: محدوده شمال شرقی دریای عمان". خط Ràs Limah (25°57'N) شبه جزیره عربی (25°48'N) and Ràs al Kuh (25°48'N) ساحل ایران (ابراهیمی فر، ۱۳۸۱).



نقشه ۱: موقعیت خلیج فارس منبع: (<http://www.iranreview.org>)

کشورهایی که امروز آن‌ها را تحت کشورهای حوزه خلیج فارس می‌شناسیم ۸ کشور هستند که ۶ کشور عربستان، قطر، امارت متحده عربی، بحرین، عمان و کویت عضو شورای همکاری خلیج فارس که بعد از جنگ ایران و عراق شکل گرفت هستند و دو کشور دیگر یعنی جمهوری اسلامی ایران و عراق که عضو این شورا نیستند (حافظ نیا و رومینا، ۱۳۸۴). امارات متحده عربی که به ندرت متحد بوده است چون هنوز حدود یک سوم از اختلافات اراضی میان امارات متحده عربی حل و فصل نشده با مساحت ۸۳ هزار کیلومتر و جمعیتی بالغ بر ۵/۲ میلیون نفر خود متشکل از هفت شیخ‌نشین است (حافظ نیا، ۱۳۷۲). سایر کشورها نیز به ترتیب: عمان با وسعت ۲۲۰ الی ۲۳۰ هزار کیلومتر و جمعیت ۲ میلیون نفر، قطر ۱۱ هزار کیلومتر مربع و جمعیت ۵۰۰ هزار نفر، بحرین ۶۲۲ کیلومتر مربع با ۶۰۰ هزار نفر جمعیت که کوچک‌ترین کشور حوزه خلیج فارس است (حافظ نیا، ۱۳۸۵) که حتی از جزیره قشم هم کوچک‌تر است، کویت ۱۷ هزار کیلومتر و جمعیت تقریباً ۲ میلیون نفر، عراق ۴۳۸ هزار کیلومتر و جمعیت ۲۳ میلیون نفر، عربستان با مساحت ۱۰۰/۲ میلیون کیلومتر مربع و جمعیت ۲۱ میلیون نفر و ایران که با ۷۵ میلیون نفر جمعیت و وسعت ۱۶۴۸۰۰۰ کیلومتر مربع است (حافظ نیا، ۱۳۸۴). بنابراین جمعیت کل کشورهای عربی حوزه خلیج فارس ۵۵ میلیون نفر است که از کل جمعیت ایران کمتر است و اگر مساحت عربستان را که بیشتر شامل صخره‌هاست از سایر کشورهای حوزه خلیج فارس برداریم مساحت ایران از کل آن‌ها بیشتر است؛ اما در مورد نام خلیج فارس همچنان که اسناد تاریخی نشان می‌دهد و در منابع تاریخی هم هست و حتی در

قراردادهای منعقدہ بین‌المللی نیز وجود دارد این منطقه از همان ابتدا و از دوران‌های گذشته تحت عنوان خلیج فارس بوده است (روشندل، ۱۳۷۴).

با نگاهی گذرا به کل ذخایر نفتی شناخته شده جهان و سایر مناطق پی به اهمیت این موضوع می‌بریم. کل ذخایر نفتی شناخته شده جهان ۱۰۰۳ میلیارد بشکه اعلام شده است که از این رقم حدود ۶۶۵ میلیارد بشکه یعنی دو سوم کل ذخایر نفتی جهان در خلیج فارس واقع شده است (سجادی، ۱۳۷۹). قسمت دیگر ذخایر نیز یعنی یک سوم آن به ترتیب شامل آمریکا ۱۵۶ میلیارد بشکه، اروپا ۷۶ میلیارد، آفریقا حدوداً ۶۵ میلیارد و سایر مناطق آسیا به جز کشورهای حوزه خلیج فارس ۴۳ میلیارد است (سریع القلم، ۱۳۷۴). این در حالی است که بیشترین ذخایر نفتی خلیج فارس را عربستان داراست یعنی چیزی حدود ۲۶۵ میلیارد بشکه که از کل ذخایر نفتی قاره آمریکا و اروپا بیشتر است و تقریباً برابر با ذخایر سایر مناطق جهان است (شرادران، ۱۳۵۲). بعد از عربستان ایران در رتبه دوم ذخایر نفتی قرار دارد و میزان ذخایر نفتی‌اش ۱۳۰ میلیارد بشکه است که از کل ذخایر اروپا و آفریقا بیشتر است. همچنین از نظر گازی هم ایران دومین تولید کننده گاز بعد از روسیه است. سومین کشور عراق است با ۱۱۳ میلیارد بشکه نفت (شفیعی عربی، ۱۳۸۷). امارات با ۱۰۰ میلیارد و کویت با ۹۲ میلیارد بشکه نفت در رده‌های بعدی قرار دارند. سه کشور دیگر حوزه خلیج فارس هم قابل مقایسه با کشورهای بالا نیستند. ویژگی دوم خلیج فارس که باعث اهمیت روزافزون این منطقه شده مربوط به هزینه‌های استخراج است. بعضی از حوزه‌های نفتی در خلیج فارس را ابر حوزه می‌گویند که به دریچه‌ای از نفت منتهی می‌شود (شیروودی، ۱۳۸۴). چاه‌های نفتی در خلیج فارس وجود دارد که ۲۰۰ برابر چاه‌های نفتی آمریکا نفت دارند. همچنین درباره هزینه استخراج نیز استخراج هر بشکه نفت از خلیج فارس چیزی معادل ۲ یا ۳ دلار هزینه دارد که در مقایسه با آمریکا که استخراج هر بشکه نفت ۱۰ دلار هزینه‌بردار است رقم بسیار پایینی است (صالحی، ۱۳۸۸). ویژگی سوم خلیج فارس که به این منطقه اهمیت بخشیده است سهولت حمل و نقل در آن است. یعنی به علت اینکه به دریا دسترسی دارد هزینه حمل و نقل و بارگیری کمتر و آسان است؛ مثلاً کشورهای واقع در حوزه دریای خزر نفت استخراجی‌شان را از طریق خط لوله انتقال داده و صادر می‌کنند که این خود سرآغاز مشکلات بسیاری از لحاظ هزینه، امن بودن، سهولت انتقال و... است (صیقل، ۱۳۷۳). همچنین دارای ضمانت‌های امنیتی و اجرایی کمتری است. درحالی‌که خلیج فارس فاقد این مشکلات است. انرژی فسیلی تأثیر مستقیمی بر وزن ژئوپولیتیکی ایران داشته است (لطفی، ۱۳۹۳) لحاظ حمل و نقل کالاهای تجاری نیز خلیج فارس دارای اهمیت بیشتر برای قدرت‌های بزرگ است. بدین صورت که بازار اسلحه و تجهیزات نظامی بعد از نفت در درجه دوم اهمیت قرار دارند کشورهای حوزه خلیج فارس به

خصوص کشورهای عربی که همواره در تنش و درگیری قرار دارند بیشتر درآمد حاصل از صادرات نفت را صرف واردات اسلحه می‌کنند که از این لحاظ برای کشورهای صادرکننده اسلحه که قدرت‌های بزرگ هستند بسیار با اهمیت است. کشورهای حوزه خلیج فارس به خصوص اعراب به این علت که درآمد حاصل از فروش نفت شان زیاد است بزرگ‌ترین واردکنندگان اسلحه در دنیا هستند (ابراهیمی فر، ۱۳۸۱).

آب و هوای خلیج فارس خشک و نیمه استوایی است. در تابستان دما گاهی تا ۵۰ درجه سانتی گراد می‌رسد و میزان تبخیر بیشتر از میزان آب‌های وارده می‌شود. در زمستان دما تا ۳ درجه سانتی گراد هم گزارش شده است (طباطبایی، ۱۳۹۱). در عین شوری زیاد آب خلیج فارس، ۲۰۰ چشمه آب شیرین در کف و ۲۵ چشمه آب کاملاً شیرین در سواحل آن جریان دارند که منشا همگی آن‌ها از کوه‌های زاگرس در ایران است. آب‌های شیرینی که وارد خلیج فارس می‌شوند عمدتاً محدود به روان آب‌های کوه‌های زاگرس در ایران و کوه‌های ترکیه و عراق است (عسگری و میرحیدر، ۱۳۸۳).

رودخانه‌های اروند، کارون، جراحی، مند، دالکی و میناب بزرگترین و پرآب‌ترین رودخانه‌هایی هستند که به خلیج فارس می‌ریزند که بیشتر سرچشمه‌های آن‌ها در کوه‌های زاگرس قرار دارند. در کرانه جنوبی آب‌های ورودی به خلیج فارس بسیار کم است که موجب بالا بودن رسوبات کربناتی در این بخش شده است (علوی پور، ۱۳۸۸).

یافته‌ها

الف - یافته‌های توصیفی

روش مورد استفاده پژوهش توصیفی پیمایشی است. برای جمع‌آوری ادبیات نظری و مفهومی پژوهش از روش توصیفی استفاده شده است و برای تحلیل داده‌های حاصل از پرسشنامه از روش تحلیل سلسله مراتبی و برای آزمون فرضیات از روش پیمایشی بهره گرفته شده است. برای بررسی پایایی پرسشنامه نیز از یک نمونه اولیه استفاده شد و با به دست آمدن ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۷، پایایی پرسشنامه نیز مورد تأیید قرار گرفت و پرسشنامه‌ی نهایی به منظور گردآوری اطلاعات، در اختیار خبرگان حوزه امنیت منطقه‌ای قرار گرفت. نظرات تعداد ۲۵ نفر از افراد خبره در حوزه تحقیق گردآوری شد و به منظور تجزیه و تحلیل اطلاعات، وارد نرم‌افزار آماری SPSS گردید.

- واژه AHP مخفف عبارت Analytical Hierarchy process به معنی فرایند تحلیل سلسله مراتبی است. انتخاب سنجه‌ها یا criterion بخش اول واکاوی AHP است. سپس بر اساس سنجه‌های شناسایی شده نامزدها ارزیابی می‌شوند. واژه گزینه‌ها یا نامزدها هم معنای واژه alternative یا candidates بوده و به جای هم بکار روند. علت سلسله مراتبی خواندن این روش آن است که ابتدا باید از اهداف و معادلات سازمان در رأس هرم آغاز کرد و با گسترش آن‌ها سنجه‌ها را شناسایی کرد تا به پایین هرم برسیم. این روش یکی از روش‌های پرکاربرد برای رتبه‌بندی و تعیین اهمیت عوامل است که با استفاده از مقایسات زوجی گزینه‌ها به اولویت‌بندی هر یک از معیارها پرداخته می‌شود. چنانچه گزینه‌ها زیاد باشد تشکیل ماتریس مقایسات زوجی کار دشواری است.
- فرایند تحلیل سلسله مراتبی منعکس کننده رفتار طبیعی و تفکر انسانی است. این تکنیک، مسائل پیچیده را بر اساس آثار متقابل آن‌ها مورد بررسی قرار می‌دهد و آن‌ها را به شکلی ساده تبدیل کرده و به حل آن می‌پردازد. در روش AHP، وابستگی‌ها باید به صورت خطی، از بالا به پایین باشد. یکی از مهم‌ترین کاربردهای تصمیم‌گیری چند معیاره، کاربرد آن‌ها در تصمیم‌گیری گروهی است. تصمیم‌گیری بر اساس نظر چندین کارشناس صورت می‌گیرد. جامعه آماری پژوهش نیز اساتید و نخبگان صاحب‌نظر در مسائل ژئوپولیتیک می‌باشند.

ب- یافته‌های تحلیلی

انتخاب معیارها و زیر معیارها

برای انتخاب معیارها و زیر معیارهای مربوط به یک هدف، معمولاً از روش‌هایی مانند طوفان مغزی، گروه اسمی با تکنیک دلفی استفاده می‌شود. تعیین معیارها و زیر معیارها در تصمیمات انفرادی چندان دشوار نیست اما زمانی که بخواهیم از نظر چندین کارشناس استفاده کنیم باید از فنون تصمیم‌گیری گروهی استفاده شود. در این زمینه از طوفان مغزی استفاده شده است، برای ساده‌تر شدن مسئله از زیر معیارها صرف نظر شده است، ابتدا پژوهشگر معیارهای تبیین علل اهمیت خلیج فارس و تنگه هرمز برای امنیت ملی ایران و آمریکا را براساس مطالعات و مطالب اشاره شده در این مقاله شناسائی نمود. در مرحله بعد این معیارهای اولیه با استفاده از تکنیک طوفان مغزی از دیدگاه کارشناسان ارزیابی گردید و چهار معیار موقعیت جغرافیایی، ذخایر عظیم نفت و گاز، بازار مصرف، نقش فرهنگی و ایدئولوژیکی به عنوان

بهترین معیارهای تبیین علل اهمیت خلیج فارس و تنگه هرمز برای امنیت ملی ایران و آمریکا در مدل نهائی وارد شدند.

میانگین نظر کارشناسان و طراحی پرسشنامه خبره

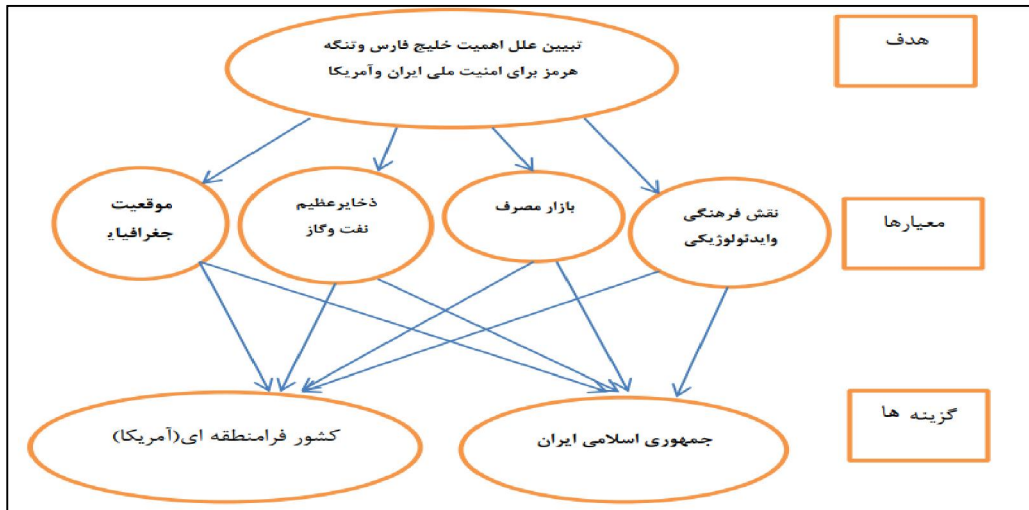
نظر کارشناسان برای تبیین علل اهمیت خلیج فارس و تنگه هرمز برای امنیت ملی ایران و آمریکا بررسی گردید. بدین منظور ابتدا پرسشنامه خبره را طراحی و نظرات خبرگان مختلف جمع‌آوری شد. نتایج مستخرجه از پرسشنامه برای مقایسه زوجی گزینه‌ها براساس موقعیت جغرافیایی به صورت زیر به دست آمده است: اولویت جمهوری اسلامی ایران نسبت به کشور فرامنطقه‌ای بر اساس معیار موقعیت جغرافیایی برای تبیین علل اهمیت خلیج فارس و تنگه هرمز برای امنیت ملی ایران و آمریکا کدام است؟ اولویت کشورهای فرامنطقه‌ای به طور مشخص ایالات متحده آمریکا نسبت به جمهوری اسلامی ایران براساس معیار موقعیت جغرافیایی برای تبیین علل اهمیت خلیج فارس و تنگه هرمز برای امنیت ملی ایران و آمریکا کدام است؟ در گام بعدی میانگین حسابی هر یک از مقایسه‌های زوجی انجام شده را حساب می‌نماییم

مدل سازی فرایند تحلیل سلسله مراتبی AHP

در اینجا مسئله مطرح شده تبیین علل اهمیت خلیج فارس و تنگه هرمز برای امنیت ملی ایران و آمریکا با استفاده از فرایند تحلیل سلسله مراتبی AHP می‌باشد. ابتدا معیارهای موقعیت جغرافیایی، ذخایر عظیم نفت و گاز، بازار مصرف، نقش فرهنگی و ایدئولوژیکی که بیشتر در این تحقیق از روش‌های انتخاب معیارهای تصمیم‌گیری، شناسایی و استخراج شده است برای تبیین علل اهمیت خلیج فارس و تنگه هرمز برای امنیت ملی ایران و آمریکا در نظر گرفته می‌شود. حال دو سؤال مطرح است: اول اینکه ممکن است برخی معیارها از لحاظ یک معیار بر دیگری ارجحیت داشته باشند و دوم این که برخی معیارها ممکن است با همدیگر متناقض باشند که بر اساس تصمیم‌گیری با معیارهای چندگانه تبیین می‌گردد. برای حل این مسئله از روش AHP استفاده می‌نماییم.

انتخاب معیارها بخش اول تجزیه و تحلیل AHP است. سپس براساس معیارهای شناسایی شده گزینه‌ها ارزیابی می‌شوند. واژه گزینه‌ها یا جمهوری اسلامی ایران و کشور فرامنطقه‌ای (آمریکا) بوده و به جای هم به کار روند که مسئله مهمی نیست. در این مسئله ما دو گزینه برای تبیین علل اهمیت خلیج فارس و تنگه هرمز برای امنیت ملی ایران و آمریکا در این مسئله داریم: جمهوری اسلامی ایران، کشور فرامنطقه‌ای.

درخت سلسله مراتبی



شکل ۱: سلسله مراتب اهمیت خلیج فارس برای امنیت ملی ایران و آمریکا

منبع: (یافته‌های پژوهش)

تعیین وزن معیارها

سطح اول سلسله مراتب را معیارهای اصلی تشکیل می‌دهد. پرسشنامه خبره نخست با مقایسه زوجی معیارهای اصلی براساس هدف به تعیین اولویت هر یک از معیارها اصلی می‌پردازد.

جدول ۱: وزن معیار در روش تحلیل سلسله مراتبی

ماتریس وزن دهی				
معیارها	موقعیت جغرافیایی	ذخایر عظیم نفت و گاز	بازار مصرف	نقش فرهنگی و ایدئولوژیکی
موقعیت جغرافیایی	۱	۱/۳	۲	۲
ذخایر عظیم نفت و گاز	۳	۱	۵	۳
بازار مصرف	۱/۲	۱/۵	۱	۱/۳
نقش فرهنگی و ایدئولوژیکی	۱/۲	۱/۳	۳	۱
جمع	۵	۲۸/۱۵	۱۱	۱۹/۳

منبع: (یافته‌های پژوهش)

وزن نهائی هر ماتریس همان ستون بردار ویژه است. براساس جداول تعیین وزن معیارهای معیار ذخایر عظیم نفت و گاز از بیشترین اولویت برخوردار است. ویژگی موقعیت جغرافیایی در اولویت دوم قرار دارد و نقش فرهنگی و ایدئولوژیکی نیز سومین معیار با اهمیت است.

مقایسه زوجی گزینه‌ها براساس معیارها

پس از تعیین وزن هر یک از معیارها در گام بعد باید گزینه‌ها به صورت زوجی براساس هر معیار مقایسه شوند. بعد از مقایسه‌ها، داده‌ها را به ماتریس‌های زیر منتقل می‌کنند که همان ماتریس مقایسه زوجی است.

جدول ۲: مقایسه زوجی گزینه‌ها براساس معیارها

ماتریس وزن دهی (نمونه)		
کشور فرامنطقه ای (آمریکا)	جمهوری اسلامی ایران	موقعیت جغرافیایی
۷	۱	جمهوری اسلامی ایران
۱	۱/۷	کشور فرامنطقه ای (آمریکا)
۸	۸/۷	جمع

منبع: (یافته‌های پژوهش)

پس از نرمال کردن، وزن هر گزینه براساس معیار مورد نظر به دست خواهد آمد؛ به عبارت دیگر محاسبه مقدار ویژه هر سطر با تخمین میانگین حسابی: میانگین حسابی آن سطر به جمع میانگین حسابی سطرها

جدول ۳: تعیین وزن هر گزینه براساس معیار مورد نظر

ماتریس نرمالیزه (نمونه)			
وزن نسبی	کشور فرامنطقه ای (آمریکا)	جمهوری اسلامی ایران	موقعیت جغرافیایی
۷/۸	۷/۸	۷/۸	جمهوری اسلامی ایران
۱/۸	۱/۸	۱/۸	کشور فرامنطقه ای (آمریکا)

منبع: (یافته‌های پژوهش)

همین مقایسه‌های زوجی را برای سایر معیارها انجام می‌دهیم. به این ترتیب اولویت هر گزینه را براساس هر معیار مانند فوق محاسبه می‌کنیم. مهم همان ستون اولویت‌ها است. در نهایت به ماتریسی مانند زیر خواهید رسید؛

جدول ۴: ماتریسم تصمیم

ماتریس تصمیم				
نقش فرهنگی و ایدئولوژیکی	بازار مصرف	ذخایر عظیم نفت و گاز	موقعیت جغرافیایی	معیارها/گزینه‌ها
۵/۶	۱/۸	۵/۶	۷/۸	جمهوری اسلامی ایران
۱/۶	۷/۸	۱/۶	۱/۸	کشور فرامنطقه ای (آمریکا)

منبع: یافته‌های پژوهش

محاسبه‌ها و الویت‌ها

اکنون با استفاده از میانگین حسابی اولویت‌های تبیین اهمیت خلیج فارس و تنگه هرمز برای امنیت ملی ایران و آمریکا را تعیین می‌کنیم.

جدول ۵: تبیین اهمیت خلیج فارس و تنگه هرمز برای امنیت ملی ایران و آمریکا

$[(0.2 * 7/8) + (0.52 * 5/6) + (0.09 * 1/8) + (0.19 * 5/6)] = 0.777$	جمهوری اسلامی ایران:					
$[(0.2 * 1/8) + (0.52 * 1/6) + (0.09 * 7/8) + (0.19 * 1/6)] = 0.223$	کشور فرامنطقه‌ای:					
<table border="1"> <thead> <tr> <th>بردار وزن نسبی</th> </tr> </thead> <tbody> <tr> <td>۰.۲</td> </tr> <tr> <td>۰.۵۲</td> </tr> <tr> <td>۰.۰۹</td> </tr> <tr> <td>۰.۱۹</td> </tr> </tbody> </table>		بردار وزن نسبی	۰.۲	۰.۵۲	۰.۰۹	۰.۱۹
بردار وزن نسبی						
۰.۲						
۰.۵۲						
۰.۰۹						
۰.۱۹						

منبع: (یافته‌های پژوهش)

آزمون فرضیات

آزمون فرضیه اول: به نظر می‌رسد که معادلات امنیتی ایران و آمریکا برای امنیت سازی در خلیج فارس در سه سطح نظامی و سیاسی و اقتصادی با هم متفاوتند.

جدول ۶: آزمون اولویت‌بندی مربوط به مهم‌ترین تهدید امنیت منطقه

گزینه‌ها	میانگین رتبه‌ها	اولویت	آزمون فریدمن
رقابت‌های ایدئولوژیک و رشد افراط‌گرایی مذهبی	۲/۳۳	۱	تعداد = ۲۵
آتش‌افروزی صهیونیسم جهانی	۳/۵۲	۲	کای اسکوتر = ۲۵/۰۵۱
حضور، مداخله و منافع کشورهای فرامنطقه‌ای	۳/۷۴	۳	درجه آزادی = ۶
جنگ‌های نیابتی	۴/۰۷	۴	Asymp. Sig. < 0/001
دولت‌های ضعیف و شکننده منطقه	۴/۳۱	۵	
بحران در منابع	۴/۹۰	۶	
اختلاف‌های فرقه‌ای	۵/۱۲	۷	

منبع: (یافته‌های پژوهش)

آزمون فرضیه دوم: به نظر می‌رسد که معادلات امنیت سیاسی ایران و امریکا برای امنیت سازی در خلیج فارس متفاوتند.

جدول ۷: آزمون اولویت‌بندی مربوط به مهم‌ترین دلیل عدم شکل‌گیری امنیت منطقه‌ای مطلوب ایران

گزینه‌ها	میانگین رتبه‌ها	اولویت	آزمون فریدمن
حضور، مداخله و منافع قدرت‌های بزرگ فرامنطقه‌ای و تقابل یا گفتمان انقلاب اسلامی	۲/۲۶	۱	تعداد = ۲۵ کای اسکوتر = ۲۰/۴۵۸ درجه آزادی = ۵ Asymp. Sig. < 0/001
حضور رژیم صهیونیستی در منطقه و آتش‌افروزی این رژیم	۳/۱۲	۲	
واقعیت‌های خاص حاکم بر منطقه	۳/۴۰	۳	
رقابت‌های دیرینه میان قدرت‌های منطقه‌ای (ایران، عربستان و ترکیه) و تبدیل شدن آن به رقابت‌های ایدئولوژیک	۳/۴۳	۴	
تصورها و تصویرسازی‌های متفاوت از ماهیت دشمن در نزد افکار عمومی ملت‌های منطقه	۴/۳۳	۵	
عدم وجود توازن منطقه‌ای، وجود کشورهای کوچک با دغدغه‌های امنیتی	۴/۴۵	۶	

منبع: یافته‌های پژوهش

آزمون فرضیه سوم: به نظر می‌رسد که معادلات امنیت اقتصادی ایران و امریکا برای امنیت سازی در خلیج فارس با هم فاصله دارند.

جدول ۸: آزمون اولویت‌بندی مربوط به محتمل‌ترین سناریوی نظم منطقه در آینده

گزینه‌ها	میانگین رتبه‌ها	اولویت	آزمون فریدمن
استمرار آشوبناکی تا حداقل ۱۰ سال آینده	۱/۷۱	۱	تعداد = ۲۵ کای اسکوتر = ۲۶/۳۳۰ درجه آزادی = ۴ Asymp. Sig. < 0/001
نقش‌آفرینی و هماهنگی بیشتر قدرت‌های فرامنطقه‌ای در منطقه	۲/۹۳	۲	
شکل‌گیری روند تجزیه کشورهای بزرگ منطقه	۳/۱۲	۳	
افزایش درگیری میان قدرت‌های بزرگ فرامنطقه‌ای در منطقه	۳/۱۹	۴	
کاهش هرج و مرج در آینده و افزایش همکاری در قالب امنیت جمعی میان حکومت‌ها	۴/۰۵	۵	

منبع: یافته‌های پژوهش

جدول ۹: آزمون اولویت‌بندی مهم‌ترین و اصلی‌ترین پیشران شکل دهنده نظم آینده منطقه

گزینه‌ها	میانگین رتبه‌ها	اولویت	آزمون فریدون
اقتصاد	۲/۷۱	۱	تعداد = ۲۵
ایدئولوژی	۳/۶۰	۲	کای اسکوتر =
نخبگان اجتماعی	۴	۳	۱۴/۲۵۹
فضای مجازی	۴/۱۰	۴	درجه آزادی = ۶
جنبش‌های اجتماعی	۴/۲۴	۵	Asymp. Sig. = 0/029
امنیت ترانزیت انرژی	۴/۳۸	۶	
سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی	۴/۹۸	۷	

منبع: (یافته‌های پژوهش)

جدول ۱۰: آزمون اولویت‌بندی منطبق‌ترین الگوی امنیت منطقه‌ای با مطلوبیت‌های ج.ا.ایران

گزینه‌ها	میانگین رتبه‌ها	اولویت	آزمون فریدمن
الگوی امنیت مشارکتی	۱/۶۲	۱	تعداد = ۲۵
الگوی سیاست واقع‌گرایانه تدافعی	۲/۱۷	۲	کای اسکوتر = ۴۹/۴۴۸
الگوی امنیت هژمونیک	۳/۰۵	۳	درجه آزادی = ۴
الگوی لیبرالیستی	۳/۶۲	۴	Asymp. Sig. < 0/001
الگوی تقابلی	۴/۵۵	۵	

منبع: (یافته‌های پژوهش)

جدول ۱۱: آزمون اولویت‌بندی عوامل شکل دهنده الگوی مطلوب ج.ا.ایران

گزینه‌ها	میانگین رتبه‌ها	اولویت	آزمون فریدمن
تمدن پایه	۲/۶۹	۱	تعداد = ۲۵
اقتصاد پایه	۲/۹۳	۲	کای اسکوتر =
فناوری پایه	۳/۸۳	۳	۲۸/۲۴۴
دفاعی - امنیتی پایه	۳/۹۰	۴	درجه آزادی = ۶
ایدئولوژیک پایه	۴/۳۳	۵	Asymp. Sig. < 0/001
زیست‌محیطی پایه	۴/۸۶	۶	
سلامت و بهداشت پایه	۵/۴۵	۷	

منبع: (یافته‌های پژوهش)

جدول ۱۲: آزمون اولویت‌بندی ج.ا.ایران در ایجاد الگوی مطلوب

گزینه‌ها	میانگین رتبه‌ها	اولویت	آزمون فریدمن
رویکرد نرم‌افزاری: ایجابی، اعتمادسازی و اعتمادآفرینی، اقتناع، تولید ارزش‌های مشترک، افزایش تبادلات فرهنگی، ورزشی و ... افزایش فعالیت در حوزه دیپلماسی عمومی، رسانه و ... در ارتباط با کشورهای پیرامونی و درک دغدغه‌های امنیتی کشورهای کوچک منطقه	۱/۳۱	۱	تعداد = ۲۵ کای اسکوتر = ۳/۵۵۶ درجه آزادی = ۱ Asymp. Sig. = 0/049
رویکرد سخت‌افزاری: افزایش توان و قدرت بازدارندگی دفاعی - امنیتی، انجام رزمایش‌های نظامی	۱/۶۹	۲	

منبع: (یافته‌های پژوهش)

در تمامی جدول‌های بالا مشاهده می‌شود که فرض صفر در سطح ۰/۵۰ رد شده است. فرض صفر در آزمون فریدمن عدم وجود اولویت در بین گزینه‌های موجود است. بنابراین آزمون‌ها نشان می‌دهد که از نظر پاسخگویان، در تمامی موارد خواسته شده برای رتبه‌بندی، اولویت‌بندی وجود دارد. در جدول زیر، اولویت اول هر یک از موارد فوق آورده شده است:

جدول ۱۳: پاسخ سؤالات رساله

مورد	اولویت اول
مهم‌ترین تهدید امنیت منطقه	رقابت‌های ایدئولوژیک و رشد افراط‌گرایی مذهبی
محتلم‌ترین سناریوی نظم منطقه در آینده	استمرار آشوبناکی تا حداقل ۱۰ سال آینده
اصلی‌ترین پیشران شکل دهنده بر نظم نوین آینده منطقه	اقتصاد
مهم‌ترین دلیل عدم شکل‌گیری امنیت منطقه‌ای مطلوب ایران	حضور، مداخله و منافع قدرت‌های بزرگ فرامنطقه‌ای و تقابل با گفتمان انقلاب اسلامی
منطبق‌ترین الگوی امنیت منطقه‌ای با مطلوبیت‌های ج.ا. ایران	الگوی امنیت مشارکتی
گام نخست ج.ا.ایران در ایجاد الگوی مطلوب	رویکرد نرم‌افزاری: ایجابی، اعتمادسازی و اعتمادآفرینی، اقتناع، تولید ارزش‌های مشترک، افزایش تبادلات فرهنگی، ورزشی و ... افزایش فعالیت در حوزه دیپلماسی عمومی، رسانه و ... در ارتباط با کشورهای پیرامونی و درک دغدغه‌های امنیتی کشورهای کوچک منطقه
پایه شکل‌دهنده الگوی مطلوب ج.ا.ایران	تمدن پایه و اقتصاد پایه

منبع: (یافته‌های پژوهش)

نتیجه گیری

امنیت خلیج فارس به چهار عامل بستگی دارد؛

۱- موقعیت جغرافیایی

خلیج فارس محور ارتباط بین اروپا، آفریقا، آسیای جنوبی و جنوب شرقی است و از نظر استراتژیک، در منطقه خاورمیانه، به عنوان مهمترین مرکز ارتباطی میان سه قاره است و بخشی از یک سیستم ارتباطی را که دریای مدیترانه و دریای سرخ، اقیانوس هند، اقیانوس کبیر و اقیانوس اطلس را به هم می پیوندد تشکیل می دهد. از طرف دیگر خلیج فارس و تنگه هرمز، کشورهای حاشیه خود را با اقیانوس هند مرتبط می کند، که این امر باعث شده به صورت یک منطقه عملیاتی، در استراتژیهای نظامی، مورد توجه قرار گیرد. مسیر خلیج فارس برای ارتباطهای جهانی و تجارت بین غرب و شرق یا اروپا و قفقاز از یک طرف و شرق و جنوب آسیا از طرف دیگر نزدیکترین راه است و در واقع کانون عمده جمعیتی و صنعتی جهان را به یکدیگر وصل می کند به همین لحاظ است که صحبت از احیای جاده ابریشم در مسیر خشکی از سواحل خلیج مطرح می شود و یکی از پرتراфикترین مسیرهای آبی و هوایی جهان است.

۲- نفت و گاز

خلیج فارس مهمترین مرکز حساس و ثروتزای کشور می باشد و همین کرانههای شرربار خلیج فارس و همین آبهای شور دریاست که سیل ثروت را به سوی جامعه ما سرازیر خواهد کرد (مدنی، ۱۳۵۷: ۹). خلیج فارس به عنوان مهمترین مخزن نفتی جهان، نقش تعیین کننده ای در سرنوشت اقتصاد جهان دارد، ذخیره نفتی خلیج فارس در سال ۱۹۸۸ برابر با ۶۴۹ هزار و ۶۵۵ میلیون بشکه برآورد شده است که معادل ۶۵/۵ درصد ذخایر کل جهان است، در سال ۱۹۸۷، ذخیره گاز آن را نیز ۳۱۰۱۰/۱۷ میلیارد متر مکعب برآورد کرده است.

۳- بازار مصرف

جمعیت حدود یکصد میلیون نفری حوزه خلیج فارس که مشمول درآمدهای نفتی می شوند، بازار مصرف خوبی برای کشورهای صنعتی غربند در نتیجه برای تصرف این بازار و جذب دلارهای نفتی آن، بین قدرتهای اقتصادی غرب چون آمریکا، ژاپن، انگلیس، فرانسه و آلمان غربی رقابتهایی وجود دارد.

۴- نقش فرهنگی و ایدئولوژیکی

خلیج فارس جدا از جنبه های ارتباطی، تجاری، سیاسی و... از لحاظ دینی نیز مظهر پیدایش دین اسلام بوده است. خلیج فارس در قلب جهان اسلام قرار دارد و فاصله آن با کرانه های شرقی و غربی دنیای اسلام، تقریباً برابر است. این منطقه کانون ظهور و پخش دین

مبین اسلام بوده و از این منطقه اندیشه اسلامی به غرب و شرق و حتی آمریکا منتشر شده است.

تسلط تهدید، رقابت، اختلاف و خصومت در الگوهای دوستی و دشمنی بازیگران مجموعه امنیتی خلیج فارس و موارد دیگری مانند رقابت‌های تسلیحاتی و اختلافات سیاسی و ایدئولوژیک در سطح منطقه‌ای از موانع عمده شکل‌گیری امنیت پایدار در خلیج فارس محسوب می‌شوند. آمریکا به عنوان بازیگری مداخله‌گر در مجموعه امنیتی خلیج فارس محسوب می‌شود که مانع از توسعه همکاری‌های منطقه‌ای شده است و حتی سیاست‌های آن به تشدید رقابت‌ها و خصومت‌ها انجامیده است.

اهداف امنیتی آمریکا در خلیج فارس در سطوح سیاسی، اقتصادی و نظامی در چارچوب

طرح‌های استراتژیکی دولت آمریکا در خلیج فارس عبارت‌اند از:

الف- یکی از اهداف سیاسی آمریکا در تحولات اخیر ایجاد نوعی حاشیه امنیتی برای رژیم اسرائیل و انتقال بحران از متن سرزمینهای اشغالی به کشورهای خلیج فارس و منطقه عراق است. اشغال عراق باعث شده است دشمن منطقه‌ای اسرائیل، یعنی عراق، سرکوب شود و کمکهای عراق به مخالفان این رژیم قطع گردد و به‌علاوه دست اسرائیل در اقدامات سرکوبگرانه علیه فلسطینیان بازتر شود و درعین حال موقعیت منطقه‌ای اسرائیل هرچه بیشتر تقویت گردد؛

ب- حضور مشروع در منطقه خلیج فارس جهت ضمانتهای لازم در مورد مسائلی چون جلوگیری از دستیابی به تسلیحات کشتارجمعی، ضرورت همکاری دولتهای منطقه با آمریکا در زمینه مسائل مختلفی چون خلع سلاح، تروریسم، تشدید دایره فشار و مخاطره در ایران؛

ج- تاسیس حکومت‌های لائیک و اسرائیل محور در کشورهای منطقه از جمله تلاش کنونی آمریکا در عراق و تلاش در جهت تشکیل حکومتی به مثابه متحد جدیدی برای آمریکا و تشدید مخاطرات ناشی از این دولتها بر ایران؛

د سعی و تلاش برای کنترل اقدامات منطقه‌ای کشورهای حوزه خلیج فارس.

منطقه خلیج فارس که از هشت کشور عمده ایران، عراق، عربستان، قطر، عمان، امارات، کویت و بحرین تشکیل شده است، ناسازگاری‌هایی پیش روی خود دارد که هدف آمریکا در تحولات ناشی از حضور در عراق و بالتبع در منطقه کنترل و هدایت این ناسازگاریها به سود خود است. از جمله این ناسازگاری‌ها به موارد زیر می‌توان اشاره کرد:

۱- جهت‌گیری‌های متفاوت در سیاست خارجی؛

۲- منازعه قدرت در بین کشورهای منطقه که به صور مختلف سیاسی، اقتصادی و جغرافیایی تبلور می‌یابد؛

۳- اختلافات ارضی و مرزی مانند مناقشات بین عربستان و دیگر شیخ‌نشین‌ها و نیز ایران و برخی از همسایگان خود (عراق، امارات).

امنیت در حوزه خلیج فارس زنجیره به هم پیوسته‌ای است که اگر برای کشوری مفقود شود برای دیگران نیز مشکل آفرین خواهد بود. در حقیقت شعار امنیت برای همه یا برای هیچکس عملاً در خلیج فارس در دهه‌های گذشته تجربه شده است؛ بنابراین تأمین امنیت مسئولیتی همگانی است که می‌تواند به عنوان عامل بسیار مهمی در همگرایی برای صلح عمل نماید. بی‌شک این امنیت فقط می‌تواند با مشارکت همه کشورهای منطقه بدون قدرت فرا منطقه‌ای تحقق یابد. عوامل همگرا و واگرا هم به صورت بالفعل و به صورت بالقوه در منطقه خلیج فارس وجود دارند، اما تشدید و تقویت عوامل واگرا که مطلوب قدرتهای بزرگ جهانی است هزینه‌های هنگفتی را بر جوامع منطقه تحمیل کرده و خواهد کرد. سه جنگ بزرگ در خلیج فارس تخریب محیط زیست و اثرات زیانبار آن بر ساکنان این منطقه ترس و بیم از آینده بحران‌ها و تنش‌های پیش بینی نشده سیاسی و اجتماعی، فقدان مشروعیت حکومتها، مسابقه تسلیحاتی و هزینه‌های گزاف آن، همه و همه برای پیشرفت، شکوفایی، سلامت، امنیت، ثبات اجتماعی، کاهش بیکاری، اقتدار منطقه، مصرف ثروتهای منطقه برای مردم منطقه، گسترش آموزش، جلوگیری از دخالت نیروهای فرامنطقه‌ای، غلبه بر اختلافات، ایجاد بازار منطقه‌ای، خودکفایی منطقه‌ای و شکوفایی علمی و فرهنگی منطقه، کاهش آلودگی محیط زیست و احترام به اقلیتهای مذهبی و قومی را به همراه داشته باشد.

منابع و مأخذ:

۱. برزگر، ک، ۱۳۸۸، خاورمیانه در برزخ بحران و ثبات، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، ش ۱۴۱، بهمن.
۲. احدی، افسانه ۱۳۹۵، چشم انداز سیاست خارجی ترامپ در خلیج فارس: تحلیل راهبردی، مرکز تحقیقات استراتژیک. شماره ۱۶۸.
۳. احمدی پور، ز، ۱۳۷۹، ژئوپلیتیک جدید ایران بعد از جنگ سرد، پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۳۹، اسفند ۱۳۷۹. صص ۱۹-۱۱.
۴. احمدی، ح، ۱۳۶۹، ریشه‌های بحران در خلیج فارس، تهران چاپ، انتشارات کیهان.
۵. ادوارد، م.م. و پیتر هک، ۱۳۸۵، بحران در خاورمیانه، ترجمه شهرزاد رستگار و شریعت پناهی، چ ۱، تهران: انتشارات قومس.
۶. اسماعیلی، م، ۱۳۸۹، پیشگیری از تروریسم در ایران، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، سال ۵، شماره ۱۴، صص ۱۵۸-۱۳۱.
۷. افضلی، ر، ۱۳۸۵، پیامدهای ژئوپلیتیکی یازدهم سپتامبر در منطقه خلیج فارس، پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۵۷، پاییز ۱۳۸۵. صص ۱۷۵-۱۵۵.
۸. برنا بلداجی، س، ۱۳۸۶، تاثیر روند دولت ملت سازی عراق بر ثبات سیاسی و سیاست خارجی عربستان سعودی، هفته نامه پگاه حوزه ۱۷۶-۱۵۵.
۹. پوراحمدی، ح، منصوریان، ا، ۱۳۹۳، تغییرات سیاست خارجی آمریکا و خلیج فارس. فصلنامه مطالعات راهبردی. سال ۱۷، شماره ۴.
۱۰. پیترسن، ج. ای ۱۳۸۱، بحران جانشینی در کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، ترجمه علی رستمی، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، ش ۳۱، پاییز.
۱۱. پیشگاهی فرد، ز، ۱۳۸۵، چالش‌های جامعه ایران از منظر جغرافیایی سیاسی، پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۵۷.
۱۲. پی‌یر درینیک، ژ، ۱۳۶۸، خلیج فارس در قرن بیستم، تهران، چاپ اول، انتشارات جاویدان، ص ۴۲۱.
۱۳. ترابی، ط، ۱۳۹۰، آمریکا و ثبات خلیج فارس در روند رقابت‌های ژئوپلیتیکی ایران - عربستان، فصلنامه دیپلماسی صلح عادلانه، مرکز بین المللی مطالعات صلح، ۵ جولای - سپتامبر ۲۰۱۱، ش ۵.
۱۴. جعفری ولدانی، ا، ۱۳۷۱، کانونهای بحران در خلیج فارس، تهران چاپ اول انتشارات کیهان.
۱۵. جعفری ولدانی، ا، ۱۳۷۶، بررسی تاریخی اختلافات مرزی ایران و عراق، چاپ سوم، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.

۱۶. جعفری ولدانی، ا، ۱۳۸۴، ژئوپلیتیک جدید دریای سرخ و خلیج فارس، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
۱۷. جعفری ولدانی، ا، بیداقی، ا، ۱۳۸۷، مرزهای ناپیدای هویت و تمامیت ارضی کشورها، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، شماره ۲۴ علمی پژوهشی.
۱۸. جلائیان مهري، ف، ۱۳۹۶، سياست خاورميانه‌ای آمريکا و تروريسم در منطقه خاورميانه، محمدرضا تخشيد، فصلنامه سياست، مجله دانشکده حقوق و علوم سياسی، دوره ۴۷ شماره ۱.
۱۹. جی مارتین، ل، ۱۳۸۳، چهره جدید امنیت در خاورمیانه، ترجمه قدیر نصری، پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران.
۲۰. حاجی یوسفی، ا.م، ۱۳۸۷، هلال شیعی، فرصت‌ها و تهدیدها برای جمهوری اسلامی ایران، اعراب و آمریکا، دانش سیاسی، ش ۱، صص ۱۵۹ تا ۱۹۲.
۲۱. حافظ نیا، م، رومینا، ا، ۱۳۸۴، تحول روابط ایران و عربستان و تأثیر آن بر ژئوپلیتیک خلیج فارس، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۷۷.
۲۲. حافظ نیا، م، ۱۳۷۲، خلیج فارس و نقش استراتژیک تنگه هرمز، انتشارات سمت، چاپ اول.
۲۳. حافظ نیا، م، ۱۳۸۵، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، چاپ اول، مشهد: انتشارات پاپلی.
۲۴. حافظ‌نیا، م، ۱۳۸۳، تحلیل کارکردی مرز بین‌المللی: مرز ایران و افغانستان»، فصلنامه مدرس علوم انسانی، شماره ۳۵، صص ۷۸-۶۹.
۲۵. روشندل، ج، ۱۳۷۴، اقداماتی برای ایجاد اعتمادسازی در منطقه خلیج فارس، مجموعه مقالات ششمین سمینار خلیج فارس، تهران: دفتر مطالعات وزارت امور خارجه.
۲۶. سجادی، ع، ۱۳۷۹، تأملی در نظریه‌های امنیت بین‌المللی (قبل و بعد از فروپاشی شوروی)، قم، فصلنامه‌ی علوم سیاسی، سال سوم، شماره ی ۹، صص ۱۷۶-۱۶۲.
۲۷. لطفی، ح، ۱۳۹۴، بررسی تطبیقی تأثیر شکل مدیریت سیاسی فضا بر توسعه منطقه‌ای مطالعه موردی جزایر قشم و کیش، فصلنامه آمایش محیط، دوره ۹، شماره ۳۲، خرداد، صص ۱۸۴-۱۶۹.
۲۸. سریع القلم، م، ۱۳۷۴، شناخت خلیج فارس در قالب مبانی نظری، اطلاعات سیاسی اقتصادی، سال دهم، شماره اول و دوم.
۲۹. شرادران، ب، ۱۳۵۲، خلیج فارس، نفت و قدرتهای بزرگ، تهران چاپ اول، انتشارات افست.
۳۰. شفیعی عربی، م، ۱۳۸۷، اهمیت منطقه خاورمیانه و بررسی اجمالی طرح خاورمیانه بزرگ، سال هشتم، مجله ی فضای جغرافیایی شماره ۲۳.

۳۱. رحمانی، ب، ۱۴۰۰، ژئوپلیتیک جهانی شدن و تأثیر آن بر اقتصاد جهان شهر تهران با استفاده از مدل SWOT، فصلنامه آمایش محیط، دوره ۱۴، شماره ۵۳، شهریور، ۲۵-۴۲.
۳۲. شیرودی، م، ۱۳۸۴، طرح خاورمیانه بزرگ، غرب و کشورهای مسلمان زمینه‌ها، چيستی و پیامدها، مجله ی اندیشه تقرب، تابستان ۱۳۸۴، شماره ۳.
۳۳. لطفی، ح، رشیدی، م، ۱۳۹۳، تحلیل و رتبه‌بندی استان‌های کشور ایران از نظر ظرفیت‌های راهبردی سرزمینی، فصلنامه آمایش محیط، دوره ۷، شماره ۲۷، اسفند صص ۱۶۵-۱۴۴.
۳۴. صالحی، ح، ۱۳۸۸، سازگاری مفهوم حکمرانی جهانی با بحران‌های خاورمیانه، پژوهشنامه روابط بین‌الملل، ش ۴۱، شهریور.
۳۵. صیقل، ا، ۱۳۷۳، مفهوم امنیت در خلیج فارس از نظر ایالات متحده، ترجمه: امیر سعید الهی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۳۶. طباطبایی، س.م، سیفی، ی، ۱۳۹۱، استراتژی کلان آمریکا در خلیج فارس: میدانی برای تعامل قدرت سخت و قدرت نرم. مجله مطالعات روابط بین‌الملل، مقاله ۶، دوره ۵، شماره ۱۹. صص ۱۹۸-۱۶۵.
۳۷. عسگری، د، میرحیدر، س، ۱۳۸۳، ژئوپلیتیک قلمروهای دریایی ایران در خلیج فارس با تأکید بر لزوم فلات قاره و منطقه انحصاری اقتصادی ایران و کشورهای عراق، کویت و امارات متحده عربی، شماره ۵۰ زمستان صص ۱۷۶-۱۶۱.
۳۸. علوی پور، س.م، ۱۳۸۸، ژئوپلیتیک عراق و امنیت در منطقه خلیج فارس، مجله مطالعات خاورمیانه سال شانزدهم شماره دوم، تابستان، صص ۱۲۲-۱۰۵.
۳۹. غلامی، ط، ۱۳۹۱، جمهوری اسلامی ایران و امنیت خلیج فارس: نقشی امنیت‌زا یا امنیت‌زدا، مرکز بین‌المللی مطالعات صلح.
۴۰. قربان، ن، ۱۳۹۲، شیل نفت مشوق خروج آمریکا از خلیج فارس، روزنامه دنیای اقتصاد، ش ۲۹۳۲، خرداد.
۴۱. کرمی، ک، ۱۳۸۵، عراق جدید و نظام امنیت منطقه‌ای خلیج فارس، معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی، مرکز تحقیقات استراتژیک.
۴۲. متقی، ا، ۱۳۸۹، ثبات منطقه‌ای و موازنه‌گرایی در خلیج فارس ۲۰۰۱-۲۰۱۰، مرکز بین‌المللی مطالعات صلح.
۴۳. متقی، ا، ۱۳۹۲، گفتمان و پادگفتمان مقاومت در سیاست بین‌الملل، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال چهاردهم شماره ۴، زمستان، صص ۴۷.
۴۴. مجتهد زاده، پ، ۱۳۸۱، جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی، چاپ دوم، تهران: انتشارات سمت.

۴۵. مجتهدزاده، پ، ۱۳۷۱، خلیج فارس، کشورها و مرزها، تهران چاپ اول، انتشارات عطایی.
۴۶. مجتهدزاده، پ، ۱۳۷۴، نگاهی به جغرافیای سیاسی خلیج فارس در سال ۲۰۰۰، فصلنامه خلیج فارس شماره ۱.
۴۷. مصلی نژاد، ع، ۱۳۹۳، تسری رقابت‌های ژئوپلیتیکی به تضادهای هویتی در غرب آسیا، فصلنامه سیاست جهانی، دوره سوم، شماره ۳، پاییز، صص ۳۶-۷.
۴۸. مصلی نژاد، ع، ۱۳۸۸، علل تداوم بحران‌های خاورمیانه در دوره جرج بوش، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال چهارم، شماره دوم، بهار. صص ۲۲۴-۱۹۵.
۴۹. معینی علمداری، ج، ۱۳۸۰، ملاحظاتی درباره طرح نظم امنیتی جدید در خاورمیانه، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال ۸، شماره ۴، زمستان، صص ۷۸-۶۳.
۵۰. موسوی، س.ح، ۱۳۸۶، الگوی امنیت منطقه‌ای در خلیج فارس، تجربه‌ها و موانع، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال دهم، شماره چهارم.
۵۱. نجفی، م، ۱۳۹۴ شش فرمول درک منازعات خلیج فارس، سایت تابناک، شماره خبر ۵۴۷۷۴۶ مورخ ۹۴/۷/۲۵.
۵۲. الهی، ه، ۱۳۸۶، خلیج فارس و مسائل آن، فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژی، دانشگاه عالی دفاع ملی ستاد کل ن. م، تهران.
۵۳. ولز، س، ۱۳۷۳، امنیت خلیج فارس، تحولات منطقه‌ای و استراتژی قدرتهای بزرگ، فصلنامه خلیج فارس. چکیده مقالات همایش بین‌المللی خلیج فارس در گستره تاریخ، سال ۱۳۸۴.

- 52- Max sinJer, and Aron wildawsky, (2018). The real world order: zone of peace, zone of turmoil, Ed Chatham, N, j.: Chatham House. Rose Gideon. "Neoclassical Realism and theories of foreiIn policy" world polities, wol. 51, No. 1, October. 1998. p. 125
- 53- Donald M. Snow. 2018. Natian Security for New Era – Newyork: Lonsman, P. 1 68
- 54- Williams, Michael.C (2019), Words, Images, Enemies:Securitization and International Politics First published: 7 November 2003, International Studies Quarterly, published by Oxford University Press
- 55- Abdul ghafar, Muhammad (2019), Regional and international strategy for gulf security: A Perspective on the Driving Forces of Strategic Conflict and the Regional Response, Bahrain Center for Strategic.
- 56- Saab, bilal & Barry pavel (2018), After Balance: Future US Defense Strategy and Force Posture in the Gulf, Atlantic Council.